

تصمیمات محاکم

رویه قضائی

نسبت به قرار منع تعقیب بواسطه فقد دلیل

هر گاه محکمه استیناف در باب منع تعقیب متهم وعدم جلب او بمحاکمه قرار صادر کرد دیگر نمیتوان او را تعقیب نمود مگر با اجازه محکمه استیناف و آنهم در صورتیکه بعد از منع تعقیب و محاکمه که بواسطه فقد دلایل کافی بوده دلایل جدیدی کشف شود.

صرف نظر از آنکه مطلق بودن قسمت اول ماده ۱۸۰ شامل مواردی که محکمه استیناف قرار منع تعقیب میدهد میشود یا اختصاص بموردی دارد که قرار مزبور بعنوان فقد دلیل صادر شده باشد، بهر تقدیر قدر مسلم آنکه قرار منع تعقیب بعنوان فقد دلیل فرد برجسته آن کس بشمار میرود.

و از قید جمله (دیگر نمیتوان او را تعقیب نمود مگر با اجازه محکمه استیناف) و از تخصیص جمله استثنائی بموردیکه قرار منع تعقیب بواسطه فقد دلیل بوده چنین مفهوم میشود که قرار منع تعقیب صادر از محکمه استیناف قابل تمیز نیست.

یک نکته باقی مینماند و آن اینست که اگر غیر قابل تمیز بودن این نوع قرارها از مفاد و مفهوم و منطوق این دو ماده مستفاد نمیشود، مطابق اصل کالی حفظ حق (خواه حق اسباب دعوی و خواه حق قانون) هر حکم یاقراری که دعوی را از محکمه خارج میکند در مرحله بالاتر قابل رسیدگی است - مقتضی بود که این نوع قرار نیز قابل تمیز شناخته شود.

لیکن نظر دیوان عالی تمیز در مورد غیر قابل تمیز

چون اصول محاکمات جزائی راجع بقرارهای صادر از محکمه استیناف دستور خاصی ذکر نکرده بنا براین در باب قابل تمیز بودن این نوع قرارها نظر محاکم متوجه رویه قضائی دیوان عالی تمیز خواهد بود.

هر چند رویه قضائی نمیتواند مستند بماده صریح قانون باشد - چه اگر در امری ماده صریح باشد رویه قضائی مورد ندارد لیکن در عین حال نمیتواند از حدود روح و مفاد آن مفهوم مواد قانونی برکنار باشد.

از این نظر میتوان مفاد ماده ۱۷۵ و ۱۸۰ اصول محاکمات جزائی را ملاک و مأخذ رویه قضائی در موضوع قرار منع تعقیب بواسطه فقد دلیل دانست زیرا:

ماده ۱۷۵ - در موضوع اعتراض بر قرار مستنطق که مبنی بر اختلاف میان عقیده مدعی العموم و مستنطق نباشد دستور می دهد:

محکمه استیناف در جلسه اداری خارج از نوبت رسیدگی کرده پس از استماع عقیده مدعی العموم قرار لازم می دهد و قرار مزبور را بشاکی اطلاع داده فوراً مجری میدارد.

از قید کلمه (اطلاع) بجای (ابلاغ) و دستور فوری برای اجراء - استنباط میشود که نظر قانون بر خاتمه یافتن دعوی و غیر قابل تمیز بودن قرار محکمه استیناف در این مورد است.

ماده ۱۸۰ - در مورد اختلاف بین عقیده مدعی العموم و مستنطق صراحت دارد براینکه:

بودن قرار منع تعقیب بواسطه فقد دلیل علاوه بر استفاده از دو ماده مزبور استناد باصول کلیه نیز میباشد . چنانکه در چند فقره حکم تصریح باصول کلیه شده است . از قید (اصول کلیه) در احکام مزبور معلوم میشود که لزوم توازن اصول باهم و وجود این دو ماده در قانون نظر دیوان عالی تمیز را بر غیر قابل تمیز بودن این نوع قرار ثابت کرده بحدی که در برابر اصول کلیه دیگر اصل حفظ حق را در این مورد منظور نظر قانون گذار نمیدانند و در مقام موازنه - اصول کلی دیگر را بر آن اصل ترجیح داده است .

برای یافتن مصداق و افراد آن اصول که مورد استناد دیوان عالی تمیز در غیر قابل تمیز بودن قرار محکمه استیناف واقع شده میتوان چند فرد را در نظر گرفت : یکی اصل عدم ورود تمیز در ماهیت دعوی و بنا بر این اصل وقتی محکمه استیناف قرار منع تعقیب داد دیوان عالی تمیز که از ورود در ماهیت دعوی بحکم قانون بی نیاز است در کدام قسمت از آن قرار وارد شود ؛ و چه

منظوری را در نظر بگیرد که معارض با اصول نباشد ؟ دیگری اصل مصونیت افراد از تعرض باصول دیگر مانند اصل برائت متهم و اصل ارفاق و اصل تسریع در خاتمه دادن بدعاوی که همه در جای خود برای حفظ حق و احترام آزادی افراد در جامعه از اصول لازم الرغایه بشمار میروند . در هر صورت نظر دیوان عالی تمیز از ذکر اصول کلیه در این مورد بهر یک از مصداقهای مزبور باشد برای اتخاذ رویه قضائی و وحدت آن در تمام کشور آگاهی از آن احکام بدورد و مفید است و برای نمونه چند فقره حکم با شماره و تاریخ ذکر میشود :

خلاصه حکم شماره ۲۷۵۱ مورخ ۱۵۱۲۲۹ و حکم شماره ۲۷۶۴ مورخ ۱۵۱۲۱۲ و حکم شماره ۲۸۲۸ مورخ ۱۵۱۲۱۶ و حکم شماره ۲۸۳۲ مورخ ۱۵۱۲۱۷ و حکم شماره ۲۸۴۷ مورخ ۱۵۱۲۲۰ و حکم شماره ۲۸۴۹ مورخ ۱۵۱۲۲۲ آنکه :

«طبق اصول کلیه و مستقیماً از ماده ۱۸۰ اصول مجازات جزائی حکم محکمه استیناف دایر بتایید قرار مستنطق بهات فقد دلیل کافی برای تعقیب متهم قابل تمیز نیست و عرض حال رد میشود...»

